

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل آیدنولوژیک

عین الدین نذیری – کابل

۲۳ جون ۲۰۱۴

لیک به ندای جناب مؤمن زاده

مثلی از مردم کابل به یاد همه ما مانده است که می گوید:

شتره گفتند گردنت کج اس؛ گفت: کجایم راس اس، که گردنم کج باشه؟؟؟

وقتی نوشته جناب ع. مؤمن زاده را که از همین شهر عزیز کابل نوشته و صفحه دیروز، ۲۲ جون ۲۰۱۴ پورتال باافتخار «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» را مزین ساخته است، خواندم، فی البدیهه همین ضرب المثل معروف کابلی به خاطرم گذشت. در همینجا، بدون اینکه از کسی یا وعده و وعیدی بترسم، صریحاً اقرار می کنم که من به هیچ دین، چه زمینی و چه به اصطلاح «آسمانی»، اعتقاد ندارم. اما بی خدا و منکر ذاتی که باید جهان را آفریده باشد، هم نیستم، ولی خدائی را که ادیان معرفی می کنند، هرگز قبول ندارم. من بدین باورم که ادیان شباهت به قبائی دارند، که برای یک زمان خاص ماضی و زمانی که عقل بشر تکامل نکرده بود، بریده شده است. در عصری که علوم طبیعی به این دُروه از عظمت خود رسیده و پرده از بسا اسرار طبیعت برداشته است، بی بنیادی ادیان و واهیات دور از عقل آن دگر هیچ مغز باهوش و متجسسی را قانع ساخته نمیتواند. ادیان نه جهان هستی را تفسیر معقول کرده می توانند و نه اسرار کائنات را برملا ساخته می توانند. جهان ادیان، بسیار کوچک و محدود است، که حد اکثر به کره زمین و جو اطرافش منحصر می شود. من کمینه هزار و یک سؤال لاینحل در مورد ادیان و بالخاصه دین اسلام دارم و کسی از اهل دین را نیافته ام که به پرسش هایم جوابی بگوید. نویسنده عالیقدری به نام جناب عزیز نعیمی که همچنان از مغز کابل می نگارد، در مقاله دیروزی خود حسن ختامی دارد که سخت به دلم نشست و حلال مشکلاتم هم همو بوده میتواند. وی می نویسد:

«بزرگترین، دیرپاترین، خطرناکترین و ظالمانه ترین بی عقلی که انسان نموده، ایجاد و پذیرش دین بوده و می باشد....»

و ازین که بگذریم و به معضله جناب مؤمن زاده برسیم:

اگرچه ضرب المثل کابلی جواب کافی و بسنده در مورد سؤال آن جناب بوده می تواند، ولی بهتر است که جواب پرسش های ایشان را از خود دین اسلام بخواهیم.

در زمانی که خورد بودم و خونم بااصطلاح اوگین بود، پنج بنای مسلمانی را خوانده بودم که در "آمنت بالله" گنجائیده شده و آن چنین است:

«ایمان آوردم به خدا و ملائکه او و کتابهایش و رسولانش و....»

ارکان اعتقادی دین اسلام بعد از خدا و فرشتگان، کتابهای آسمانی و پیغمبران خدا می باشند، که اگر کسی به یکی از این بناء های پنجگانه اعتقاد نداشته باشد، مسلمان شناخته نمیشود.

مولوی نیازی طوری که جناب مؤمن زاده می نویسد، نه تنها به انجیل و عیسای مسیح اعتقاد ندارد، بلکه به آنها با استحقار برخورد هم کرده است و این کاریست خلاف اعتقادات دین اسلام. این عمل مولوی نیازی، که اصول اعتقادی دین اسلام را زیر پای می نماید، در حقیقت حکم تکفیر او را هم صادر میکند.

امیدوارم که داکتر صاحب امین الدین سعیدی که مسلمانی متشرع می باشند، بر موضوع از نگاه احکام دین اسلام روشنی بیشتر انداخته و فتوایی صادر بفرمایند.